



# Exploring the Economic Diplomacy of Brazil and Turkiye: Guidelines for Policy-Making for the Development of Iran's Economic Diplomacy

**Majid Mokhtarianpour**

Faculty Member, Management College, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)  
Email: mokhtarianpour@ut.ac.ir

**Mohammad Zeinolabedin**

Student at the Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

**Ehsan Rasouli nezhad**

Faculty member, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

**Mohammad Hasan Sheikholeslami**

Faculty member, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran

## **Abstract**

The role of countries in implementing effective economic diplomacy is influenced by their economic diplomacy development policy-making model. This research, through a multiple case study methodology, studies the development of economic diplomacy in Brazil and Turkey, which have experienced successes in this field in recent years. After studying, 27 subcategories and 9 main categories were identified regarding the development of Brazilian economic diplomacy and 30 subcategories and 9 main categories regarding the development of Turkish economic diplomacy. The ultimate Purpose of the research is to extract guidelines in the form of policy statements or propositions derived from the combination and analysis of these categories that indicate the conditions, strategies, and appropriate actions for the development of economic diplomacy in Iran. These guidelines include include the purposeful use of free trade, internationalism in line with comprehensive economic diplomacy, purposeful integration of the national economy with the international economic system, attracting foreign investment, establishing political stability and sustainable security, structural and rules reforms, especially the development and support of privatization, interaction and cooperation with regional and international organizations and institutions, economic stability and reform of the economic governance system, Improving domestic manufacturing capacity and supporting national production.

**Keywords:** Diplomacy, Economic Diplomacy, Public Policy Making, Economic Diplomacy Policy Making, Multiple Case Study.



# واکاوی دیپلماسی اقتصادی کشورهای برزیل و ترکیه: رهنمودهایی برای خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی ایران

مجید مختاریان پور

عضو هیئت‌علمی دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mokhtarianpour@ut.ac.ir

محمد زین‌العابدین

دانشجوی دکتری دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

احسان رسولی نژاد

عضو هیئت‌علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمدحسن شیخ‌الاسلامی

عضو هیئت‌علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

## چکیده

نقش‌آفرینی کشورها در اجرای دیپلماسی اقتصادی کارآمد، متأثر از عوامل متعددی از جمله سیاست‌ها و برنامه‌های برآمده از الگوی خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی آن‌ها است. این پژوهش از طریق روش پژوهش مطالعه موردی، به مطالعه توسعه دیپلماسی اقتصادی کشورهای برزیل و ترکیه می‌پردازد که در سال‌های اخیر نیز رشد اقتصادی و موفقیت‌هایی را از مسیر توسعه دیپلماسی اقتصادی خود تجربه کرده‌اند. پس از مطالعه جوانب توسعه دیپلماسی اقتصادی این دو کشور، ۲۷ مقوله فرعی و ۹ مقوله اصلی پیرامون توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل و ۳۰ مقوله فرعی و ۹ مقوله اصلی پیرامون توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه احصا شد. هدف غایی این پژوهش استخراج رهنمودهایی در قالب احکام یا گزاره‌های سیاستی برآمده از ترکیب و تحلیل این مقوله‌هاست که دلالت بر راهبردها، اقدامات و ملاحظات توسعه دیپلماسی اقتصادی در کشور ایران کند. این رهنمودها عبارت‌اند از: استفاده هدفمند از تجارت آزاد در عین حمایت از خودکفایی با ابتدا بر توسعه برون‌گرا، بین‌المللی‌گرایی در راستای دیپلماسی اقتصادی فراگیر و پرهیز از رویکردهای تقلیل‌گرایانه، یکپارچگی هدفمند اقتصاد ملی با نظام اقتصاد بین‌الملل، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برقراری ثبات سیاسی و امنیت پایدار و بهبود تصویر کشور، اصلاحات ساختاری و قانونی به‌ویژه توسعه بخش خصوصی، تعامل و همکاری با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ثبات اقتصادی و اصلاح نظام اقتصادی، حمایت از تولید ملی.

**کلیدواژه‌ها:** دیپلماسی، دیپلماسی اقتصادی، خط‌مشی‌گذاری عمومی، خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی، مطالعه موردی.



## مقدمه

یکی از مسائل مهم در خط‌مشی‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری خارجی است (عرب صالحی نصرآبادی، ۱۳۹۴)؛ زیرا دولت‌ها همان‌طور که در محدودهٔ سرزمینی، دارای چالش‌ها، مشکلات و مسائل عدیده‌ای هستند، در محیط بیرونی نیز با چالش‌ها و مسائل متنوعی مواجه‌اند که باید برای حل آن‌ها، تدابیر لازم را اتخاذ و نسبت به آن‌ها چاره‌اندیشی کنند (قریب، ضمیریان، ۱۳۸۹). در دوران کنونی روابط چندجانبه بین دولت‌ها در سطح بین‌الملل شدت یافته است. این ویژگی باعث پدیداری فرصت‌های بازرگانی و تعاملات اقتصادی می‌شود و این ظرفیت‌های اقتصادی توجه کشورها و سیاست‌گذاران را به دیپلماسی اقتصادی سوق می‌دهد. دیپلماسی اقتصادی همانا اولویت یافتن اقتصاد در سیاست خارجی کشورهاست و یک ابزار مهم در پیشبرد اهداف بلندمدت توسعه و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷). برخی از صاحب‌نظران معتقدند که کشور ابتدا باید با انجام اقدامات ضروری داخلی از قبیل خط‌مشی‌گذاری‌های کلان نسبت به ورود به اقتصاد بین‌المللی اقدام کند (روزنامه ایران: ۲۳۰۶) و در غیر این صورت کشور نمی‌تواند امتیازات مناسبی را در تعاملات اقتصادی خارجی کسب کند (موسوی دهموردی و بزرگی، ۱۳۹۸).

ابزار توسعه‌گرایی و برون‌زایی اقتصاد در سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی است بنابراین اهمیت خط‌مشی‌گذاری برای توسعهٔ دیپلماسی در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه برخوردار از ویژگی‌های ممتاز برجسته است (برجیک و مونز، ۲۰۱۸: ۳). چالش عمدهٔ دیپلماسی اقتصادی در ایران، کم‌توجهی به رویکردها، قواعد، رویه‌ها و مشی‌های مشخص برای تعیین و پیشبرد روابط اقتصاد بین‌المللی است (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷). این پژوهش تلاش دارد از طریق روش‌شناسی مطالعه موردی، به مطالعه توسعهٔ دیپلماسی اقتصادی کشورهای برزیل و ترکیه پردازد که به‌طور تقریبی در شرایط و بافتار مشابه با کشور ایران قرار دارند و از آن مهم‌تر در سال‌های اخیر روند قابل توجهی در توسعهٔ دیپلماسی اقتصادی خود داشته‌اند. هدف از این بررسی دستیابی به مقوله‌های توسعهٔ دیپلماسی اقتصادی این



کشورها و نهایتاً رهنمودهایی در قالب گزاره‌های سیاستی یا احکامی است که دلالت بر شرایط علی، راهبردها، بسترسازها و مداخله‌گرهای این توسعه نمایند. این یافته‌ها و احکام می‌توانند الهام‌بخش خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باشند.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. مفهوم دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی در حوزه نظر بیانگر رابطه معنادار بین سه مفهوم سیاست، اقتصاد و روابط بین‌الملل است (وودز، ۱۳۸۸). بنابراین، برای بررسی کنش‌ها و واکنش‌ها در سیاست خارجی کشورها به‌ویژه در عرصه اقتصادی لازم است تا نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل مورد توجه قرار گیرند. هسته اصلی اقتصاد سیاسی بین‌الملل را تعاملات و کنش‌های متقابل بین عوامل سیاسی و اقتصادی و نیز تعامل میان سطوح ملی و بین‌المللی خط‌مشی‌گذاری تشکیل می‌دهد (بریجک، مونز، ۲۰۱۸: ۳). فرلک نیز آن را انتخاب ابزارهایی مانند خط‌مشی اقتصادی خارجی می‌داند تا کشورها از طریق آن بتوانند به‌گونه‌ای مدبرانه و هوشمندانه تحقق اهداف اقتصادی خود را دنبال کنند (فرلک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۶). می‌توان در همه برداشت‌ها و تعاریف مختلفی که برای دیپلماسی اقتصادی مطرح می‌شود، چند کارکرد یا حوزه عمل را برای آن متصور شد: حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی، تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی، جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی، تأثیرگذاری بر مقررات و خط‌مشی‌های بین‌المللی به نفع منافع کشوری (واعظی و موسوی شفاپی، ۱۳۸۸: ۱۵۲؛ ایمبرت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۴).

### ۱-۲. رویکردهای کلی اقتصاد سیاسی بین‌الملل به رابطه بین سیاست و اقتصاد

برای آگاهی و دستیابی به یک چهارچوب نظری مناسب برای تبیین و توضیح مفاهیم مرتبط با دیپلماسی اقتصادی، باید رویکردهای مختلف نظری به اقتصاد سیاسی بین‌الملل بررسی شود تا بتوان در نظام خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی، بسترها و مداخله‌گرهای

1. Frelek  
2. Imbert

برآمده از رفتارهای تابع چهارچوب حاکم بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل و روابط خارجی کشور را مورد ملاحظه قرار داد. مطالعه نقطه تلاقی اقتصاد و سیاست و توضیح این‌که چرا و چگونه در توزیع ثروت و قدرت کشورها تغییر و تحول رخ می‌دهد، سابقه‌ای بس طولانی دارد (ابرین و ویلیامز، ۱۳۹۵: ۱۲). به‌طورکلی رشته اقتصاد سیاسی بین‌الملل را می‌توان از نظر رابطه بین سیاست و اقتصاد در قالب سه رهیافت زیر بررسی کرد (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷)

۱. «اقتصادگرا»: این رهیافت اصالت را به اقتصاد می‌دهد؛ از این‌رو، اقتصاد سیاسی بین‌الملل عبارت است از روش‌شناسی علم اقتصاد که برای تحلیل رفتارها، نهادها و پدیده‌های سیاسی بین‌المللی به‌کار بسته می‌شود.

۲. «سیاست‌گرا»: این رهیافت اصالت را به سیاست می‌دهد از این‌رو، اقتصاد سیاسی بین‌الملل عبارت است از مطالعه سیاست مبادله اقتصادی بین‌المللی یا وجوه سیاسی روابط و مبادلات اقتصادی بین‌الملل.

۳. «تعامل‌گرا»: تعامل‌گرایی بر تعامل سیاست و اقتصاد و در نتیجه تعامل اقتصاد بین‌الملل و سیاست بین‌الملل تأکید دارد. این رهیافت بر تفکیک‌ناپذیری اقتصاد و سیاست تأکید می‌کند و جدایی اقتصاد و سیاست را آن‌گونه که در رهیافت‌های کلاسیک لیبرال و سرمایه‌داری آمده است، رد می‌کند.

### ۱-۳. رویکردهای نظری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل

درحالی‌که طی قرون ۱۸ و ۱۹ چارچوب‌های نظری اولیه به اقتصاد سیاسی بین‌الملل با طرح اصول بنیادین سرمایه‌داری و آزادی اقتصادی پایه‌گذاری شد، در ادامه و در قرن ۲۰ منازعه بین این دو دیدگاه با طرح رویکردهای مختلف و متعارض ادامه یافت. پس از جنگ جهانی دوم و به مدت ۲۵ سال واقع‌گرایان مطرح بودند. توجه آن‌ها عمدتاً روی مفاهیم و مسائل سیاسی-راهبردی مانند قدرت ملی، جنگ سرد، امنیت و پیمان‌های نظامی، استعمارزدایی،

- 
1. Economist
  2. Politisist
  3. Internationalist



راهبردهای منازعه، بازدارندگی و مذاکرات مربوط به واپایش تسلیحات و خلع سلاح متمرکز بود. البته مسائل اقتصادی هم مطرح بود؛ اما در ذهن واقع‌گرایان از اهمیت و اولویت کمتری برخوردار بود. در همین حال و با وقوع انقلاب کمونیستی رویکردهای نظری برگرفته از مارکسیسم نیز فرصت ظهور یافته و در موضع انتقاد از جریان واقع‌گرا و لیبرال به حیات خود ادامه داد. در سه دهه پایانی قرن بیستم، رویکردهای نظری مختلفی در قالب سه مکتب واقع‌گرایی اقتصادی (سرمایه‌داری)، مارکسیسم و لیبرال اقتصادی سر برآوردند. دیدگاه متفاوت بین نظریه‌های مختلف در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، درخصوص نوع نگاه به رابطه بین سیاست و اقتصاد است، سیاست عامل تعیین‌کننده است یا اقتصاد؟ در پاسخ به این سؤال واقع‌گرایان اقتصادی در جریان‌های کلاسیک و نو، بازیگران اصلی اقتصاد بین‌الملل را دولت‌های قدرت‌طلب می‌دانند و در واقع اقتصاد را تابعی از سیاست قلمداد می‌کنند. رویکردهای نواقوع‌گرا/نوسوداگری معتقدند مهم‌ترین بازیگران عرصه جهانی دولت‌ها هستند که حق حاکمیت دارند. رویکردهای واقع‌گرا و نو واقع‌گرا درخصوص موضوعات اقتصادی بین‌الملل بینش و دیدگاه‌های مشترکی با تفکر سوداگری و طرفداران اقتصاد کینزی دارند که در تضاد با سنت لیبرالی قرار می‌گیرد. آن‌ها معتقدند که اقتصاد جهانی حوزه رقابت میان دولت‌هایی است که به دنبال افزایش توان و قدرت نسبی خود هستند. قوی‌ترین دولت‌ها نظام بین‌الملل را براساس منافع خود وضع می‌کنند و تلاش‌های اقتصادی هر دولتی تابع تلاش آن برای حفظ اقتدار حاکمیت داخلی و خارجی است. لیبرال کلاسیک برخلاف طرفداران مکتب سوداگری، سیاست و اقتصاد را از یکدیگر جدا می‌دانستند. از نظر آن‌ها سیاست امری عمومی است حال آنکه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر قوانین طبیعی بوده و این قوانین هم تابع مجموع تصمیمات بی‌شمار عرصه تولید و مصرف و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است؛ به عبارتی، تجارتی آزاد در بازاری آزاد و فارغ از هرگونه مانع سیاسی، برای همه کشورها رفاه اقتصادی و صلح بین‌المللی به ارمغان می‌آورد؛ اما رویکرد دیگر به مسائل اقتصاد جهانی، نظریه مارکسیستی است. از نظر این دیدگاه، مهم‌ترین ویژگی سیاست اقتصاد جهانی، سرمایه‌داری است. در این رویکرد مهم‌ترین بازیگران دیگر دولت‌ها نبوده بلکه طبقات

اجتماعی بازیگران مهم و عمده‌ای هستند که رفتار سایرین را نیز تعیین می‌کنند. آن‌ها نیز اقتصاد جهانی را محل رقابت می‌دانند؛ اما نه بین دولت‌ها؛ بلکه معتقدند سرمایه‌داری به‌عنوان طبقه حاکم اجتماعی، نیروی محرک اقتصاد جهانی است. اغلب نظریه‌پردازان مارکسیستی معتقدند جهانی‌شدن با تأکید بر وجه اقتصادی آن به گسترش نفوذ سرمایه‌داری در سرتاسر جهان و افزایش نابرابری و شکاف بین شمال و جنوب می‌انجامد. بنابراین از نظر آن‌ها جهانی‌شدن فریبی بیش نیست. نحله‌های جدید اقتصاد لیبرالی به‌ویژه نئولیبرال‌ها، بر اقتصاد بازار تأکید دارند و در روابط بین دولت‌ها قائل به همکاری و تعاملات متقابل اقتصادی هستند و نقش نهادها و قواعد بین‌المللی را در این زمینه با اهمیت قلمداد می‌کنند. از نظر نحله‌های جدید لیبرالیسم به‌ویژه شاخه نئولیبرال، تحول در روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد و تشدید فرایند جهانی‌شدن، شرایط را برای وابستگی متقابل بیشتر بین کشورها، افزایش نقش بازیگران غیردولتی و درهم‌تنیدگی منافع اقتصادی کشور در سیاست بین‌الملل فراهم کرده است. نئولیبرال‌ها، نظم اقتصاد جهانی را منتج از اقتصاد آزاد می‌دانند که با خط‌مشی‌های منطقی و عاقلانه راهبری می‌شود. آن‌ها خواستار دخالت حداقلی دولت در بازارهای ملی و جهانی‌اند. نهادگرایان نئولیبرال، انتخاب عقلایی را درباره دولت‌ها و تعاملات آن‌ها با یکدیگر به‌کار می‌گیرند تا همکاری‌های بین‌المللی را در امور اقتصادی توضیح دهند. اقتصاددانان نهادگرای نئولیبرال، استدلال می‌کنند بازارها طبیعی نیستند؛ بلکه نتیجه تعامل مجموعه‌ای از نهادها همانند ساختارهای قانونی، نظام مالی و ارزش‌های اجتماعی‌اند. از نظر بسیاری از نئولیبرال‌های اقتصادی تردیدی نیست که اهمیت اقتصاد در سیاست بین‌الملل رو به افزایش است ولی صرف‌نظر از اهمیتی که ملاحظات اقتصادی در نظام جهانی خواهند یافت، این ملاحظات نمی‌توانند جای ارزش‌ها، اهداف و منافع سیاسی را در برنامه‌ریزی خط‌مشی‌گذاران بگیرند. بنابراین رویکردهای نئولیبرال به وجود رابطه نزدیک و تعاملی بین اقتصاد و سیاست در روابط بین‌الملل اذعان دارند.

با توجه به رویکردها و مفاهیم متفاوت بیان شده در نظریه‌های مختلف در خصوص اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به نظر می‌رسد نظریه نئولیبرال‌ها به‌شدت بر رشته اقتصاد سیطره یافته و



غالب شده است و نظریه نهادگرایی نئولیبرال یا نئولیبرالیسم با توجه به نگرش آن نسبت به تعامل و اقدام در نظام اقتصاد بین‌الملل و تأکید بر نقش دولت و بازیگران دیگر در این تعاملات، بهتر از سایر نظریه‌ها می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را که به دنبال تعاملات اقتصادی رو به رشد کشورها با استفاده از ابزار سیاست خارجی است، تبیین کند (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۲۵).

#### ۱-۴. سیاست‌گذاری خارجی و دیپلماسی اقتصادی

ارتباط و درهم‌تنیدگی اقتصاد و سیاست در حوزه بین‌المللی که قوام دیپلماسی اقتصادی را پدید می‌آورد، یک ضرورت برای توسعه است. کشورهایی که در مسیر توسعه قرار دارند، باید خط‌مشی‌گذاری برای توسعه دیپلماسی اقتصادی را در اولویت قرار دهند (اسلامیان، حبیبی، ۱۳۹۹). اهمیت دیپلماسی اقتصادی در امر توسعه و ایجاد ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کشورها بر کسی پوشیده نیست. مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی در کشورهای درحال توسعه تسهیل مراودات و تعاملات بیرونی (رستمی و نامیان، ۱۳۹۸) و الگوی رفتاری تعاملی-رقابتی توسعه‌گرا و برون‌گرا در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای است (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

حکومت‌ها از ابزاری به نام خط‌مشی برای حکمرانی بهره می‌گیرند. با دانش خط‌مشی‌گذاری ضمن ارائه راه‌حل برای مسائل و مشکلات عمومی کشور، باید بتوان نکات منفی و مثبت اثرات و خروجی‌های این سیاست‌گذاری را تشخیص داد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). خط‌مشی تجاری هر کشور، مبین رویکرد راهبردی دولت-ملت آن جامعه در بخش تجارت و بازرگانی خارجی برای حضور در عرصه منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۰).

الگوهای نوین و شاید چندقطبی در حال جایگزینی با مدل سلطه‌محور غرب در اقتصاد جهانی است که در آن قدرت‌های نوظهور غیر غربی در حال تلاش برای افزایش نفوذ و

قدرت و ثروت خود هستند (آیکنبری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). بنابراین می‌توان گفت توسعه دیپلماسی اقتصادی، نظم پیش‌روی جهان را مبتنی بر فرضیه نظم جهانی چندمنطقه‌ای تصور می‌کند. تکیه‌گاه قدرت‌های جدید منطقه‌ای و جهانی، حرکت در ارتقای توان اقتصادی است به طوری که می‌توان مدعی بود، سیاست و روابط خارجی در قبال اقتصاد، محور و کانون پیشرفت این کشورها و تشکیل‌دهنده بسترهای نظم پیش‌روی جهانی یا به تعبیر دیگر عامل مهندسی نظم آینده جهانی خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی؛ توکلی و عرب پور، ۱۴۰۰). رابطه بین سیاست خارجی پویا با توسعه اقتصادی در این کشورها، یکی از خطوط کلی الگوی دیپلماسی اقتصادی آن‌ها است. از نقاط مشترک حکمرانی در کشورهای خواهان توسعه دیپلماسی اقتصادی، استفاده از همه ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک برای خلق بازارهای بین‌المللی جدید است (بارنی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). سیاست خارجی می‌تواند به‌طور مستقیم در خدمت خواسته‌های توسعه ملی ناظر به امکانات ایجاد شده در سطح منطقه‌ای و جهانی باشد (دهقانی فیروزآبادی؛ توکلی و عرب پور، ۱۴۰۰). در چنین نگاهی دیپلماسی اقتصادی پویا و هدفمند بر سیاست خارجی آشکار می‌شود و به عبارت دیگر سیاست خارجی را متمرکز بر توسعه ملی و توسعه اقتصادی می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

موضوع دیپلماسی اقتصادی یک از مهم‌ترین راهبردهای توسعه‌ای و رشد اقتصادی کشورها در سطح برون‌مرزی و بین‌الملل است. از همین رو مطالعاتی مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند ولی در بین این پژوهش‌ها، تحقیقات اندکی از دریچه علم خط‌مشی‌گذاری و با هدف شناخت و تدوین رهنمودها و رهیافت‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی انجام پذیرفته است. در ادامه برخی از پژوهش‌های مرتبط مرور می‌شوند:

1. Ikenberry
2. Baranay



جدول ۱. پیشینه تحقیق

نویسندگان	عنوان	اهداف	روش	یافته‌ها
خادم المله (۱۳۹۱)	بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی	بررسی روند تغییر برزیل از یک کشور بدهکار و بحران‌زده به یک قدرت نوظهور و مؤثر بر اقتصاد جهانی		برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه دموکراسی از عوامل مهم رشد برزیل بوده است. افزایش مشارکت و هم‌گرایی با جامعه منطقه‌ای و جامعه جهانی، تعدیل و اصلاحات ساختاری، کاهش تورم، جذب سرمایه خارجی، خصوصی‌سازی گسترده، یکپارچگی اقتصاد ملی با بازارهای منطقه‌ای، آزادسازی اقتصاد، گسترش مناسبات دو و چندجانبه اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مشارکت فعال در تحولات و مسائل بین‌المللی و تنش‌زدایی با همسایگان از جمله مهم‌ترین اقدامات برزیل در مسیر تحول خود است.
میرزائی، عباس زاده فتح آبادی، صدری علی بابالو (۱۳۹۳)	ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی	بررسی ابعاد و کیفیت دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی و بررسی دستاوردهای آن	مطالعه موردی	حل مشکلات با همسایگان، استفاده از نخبگان اقتصادی و دیپلمات‌های متخصص و باتجربه، ارائه رهنمودهایی به شرکت‌های خصوصی برای بهره‌گیری از قابلیت‌های آن‌ها و عضویت فعال در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی چهار محور اصلی ترکیه در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی بوده است.
سلیمی فرد، یوسفی، شهبانی، عبدالخانی (۱۴۰۱)	دیپلماسی اقتصادی برزیل و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی	بررسی تغییرات راهبردی و اقتصادی-تجاری برزیل بر همگرایی‌ها و تعاملات آن، بررسی تأثیر آن	روش کیفی و توصیف پدیده‌ها	برزیل با تغییرات سیاسی و اقتصادی اخیر به‌عنوان یک قدرت نوظهور جهانی پدیدار شده است و با ایجاد همکاری‌های عمده اقتصادی با منطقه امریکای لاتین و توافقنامه‌های خارج از چهارچوب سازمان تجارت جهانی و همکاری با قدرت‌های نوظهور توانسته

نویسندگان	عنوان	اهداف	روش	یافته‌ها
		بر روند صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی		به ایجاد صلح و هم‌گرایی کشورها کمک کند و با تعامل هم‌زمان با کشورهای جنوب و شمال، فصل تازه‌ای در امنیت جهانی را رقم بزند.
قادری، بخشی (۱۴۰۱)	دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی	بررسی اهداف ترکیه از پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در آسیای مرکزی	ردیابی فرایند	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه با پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در آسیای مرکزی به دنبال رقابت با کشورهای ایران و روسیه، تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی، تنوع‌بخشی به دریافت انرژی، تشکیل شورا با کشورهای ترک‌زبان و ایجاد امنیت است.
جانسیز، اصلانی (۱۴۰۱)	دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا؛ اهداف، راهبردها و نتایج	بررسی اهداف، راهبردها و نتایج دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا	تبیینی	مسیر اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین روش ورود ترک‌ها به آفریقا از سوی دولت و بخش خصوصی این کشور مورد پذیرش قرار گرفت. افزایش حضور نیروهای امنیتی ترک‌زبان، تقویت ارتش‌های کشورهای آفریقایی، کمک در راستای افزایش سطح بهبود زندگی مردم آفریقا در کنار توسعه هدفمند بخش انرژی در کشورهای آفریقایی مباحثی است که نشان می‌دهد ترکیه توانسته تا حدودی به اهداف نفوذ خود در آفریقا دست یابد.
شیخ‌الاسلامی، جعفری هفت‌خانی، عرب پور (۱۴۰۲)	نقش دیپلماسی اقتصادی و تجاری در ارتقای برند ملی کشورها (مطالعه موردی چین، ترکیه، قطر)	واکاوی جایگاه و نقش دیپلماسی اقتصادی و تجاری در ارتقای برند ملی	مطالعه موردی	گسترش تجارت با کشورهای درحال توسعه و جذب سرمایه از خارج، ارتقای حوزه گردشگری، ارائه تسهیلات به‌منظور توسعه، صادرات محصولات فناورانه، مشارکت در مجامع اقتصادی بین‌المللی و استفاده از مزیت‌های رقابتی ویژه هر کشور از آموخته و تجارب مهم کشورها بوده است.



نویسندگان	عنوان	اهداف	روش	یافته‌ها
گذر <sup>۱</sup> (۲۰۱۹)	اقتصاد سیاسی سیاست تجاری در برزیل	بررسی نقش تولید و صنعتی سازی، تحول ساختاری اقتصاد برزیل و ابزارهای سیاست تجاری، تعامل و نقش بازیگران مختلف	مطالعه موردی	سیاست‌های حمایتی منعطف از تولید در عین توسعه تجارت آزاد با استفاده از نظام تعرفه گذاری هدفمند و سایر ابزارهای تجارت خارجی اتخاذ شد. برزیل پایه صنعتی متنوع خود را به مدل جانشینی واردات صنعتی‌سازی مدیون است. اعمال تغییرات نهادی و قانونی عامل دیگری است که در سیاست‌گذاری‌های تجارت خارجی برزیل کرد مؤثری داشته است.
اونال <sup>۲</sup> (۲۰۱۹)	دیپلماسی اقتصادی ترکیه در زمینه سیاست پرستیژ در روابط اقتصادی خارجی	تحولات مربوط به سیاست اقتصادی ترکیه در فرایند جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های تجاری	آمار توصیفی	ترکیه بر مبنای یک ساختار چندملیتی در طول زمان، شورای روابط اقتصادی خارجی ترکیه را تأسیس کرده است. تجارت و سرمایه‌گذارهای خارجی از برجستگی‌ها و پویایی‌های دیپلماسی خارجی بوده و توجه به همکاری‌های فناوری محور به‌عنوان حوزه مرتبط دیگری مدنظر قرار گرفته است. تضمین جریان اطلاعات بین اقتصادها و بازارها توسط دیپلمات‌های تجاری و توسعه همکاری‌های دولت با بخش خصوصی نیز از تحولات عمده دیگر است.
ازکوبانلار <sup>۳</sup> (۲۰۲۲)	دیپلماسی اقتصادی ترکیه: افزایش تأثیر و انسجام اقدامات خارجی ترکیه به‌عنوان یک راهبرد نوظهور	بررسی تغییرات تاریخی در توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه، تحولات ساختاری، بررسی	روش تاریخی	ترکیه توسعه روابط بین‌المللی خود را در رأس توجهات قرار داده و در این راستا توافقنامه‌های تجارت آزاد را با کشورهای زیادی در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا امضا نموده است که یکی از مهم‌ترین نتایج دیپلماسی اقتصادی این کشور است. متنوع‌سازی شرکا در

1. Paulo Guedes

2. Ugur Unal

3. Mehmet Ali Özçobanlar

نویسندگان	عنوان	اهداف	روش	یافته‌ها
		سازوکارهای سیاست خارجی چندجانبه		دستور کار قرار گرفته است. عضویت و ارتقای همکاری‌ها با سازمان‌های بین‌المللی، توسعه روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عقد توافقنامه‌های تجاری دوجانبه، اتخاذ سیاست‌های پولی برای واپایش تورم و حفظ ارزش پول ملی و واپایش تحولات سیاسی و جغرافیای سیاسی منطقه سایر اقدامات ترکیه در دیپلماسی اقتصادی است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این تحقیق مطالعه موردی چندگانه است. اخیراً با تأملاتی که روی این روش صورت گرفته، در بسیاری از رشته‌ها همچون علوم سیاسی، اجتماعی و مطالعات سازمانی کاربرد دارد (بلیکی، ۱۳۹۵ و گیون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۲۲). مطالعه موردی یک رویکرد پژوهشی است که طی آن یک یا چند مورد یا پدیده عمیقاً مطالعه می‌شوند (گیون ۲۰۰۸: ۶۸). مطالعه موردی یک روش‌شناسی یا راهبرد پژوهش جامع است (دنزین و لینکن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ کراسول ۱۳۹۱: ۹۸). مطالعه موردی یک روش کیفی است که در آن محقق با گردآوری و تحلیل داده‌ها به بررسی یک یا چند مورد می‌پردازد و تحلیل و توصیفی از مورد و مضمون‌های مبتنی بر آن انجام می‌دهد (کراسول، ۱۳۹۱: ۹۸).

گردآوری داده‌ها در پژوهش مطالعه موردی نوعاً گسترده و شامل چندین مأخذ اطلاعاتی است. برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و مرور اسناد، گزارش‌ها و مصاحبه‌های مرتبط موجود استفاده شده است. با مطالعه دقیق و جزء به جزء متن، روند تجزیه و تحلیل متن و کدگذاری آغاز و با احصای مفاهیم و ترکیب آن‌ها مقوله‌ها حاصل می‌شوند.

1. Given  
2. Denzin;Lincoln



منظور از مورد در این نوع روش‌شناسی، یک پدیده از انواع رخ داده در یک زمینه محدود است که مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (مایلز و هابرمین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴)؛ به بیان دیگر، موردها واحدهای تحلیلی مورد بررسی در پژوهش هستند (گود و هات<sup>۲</sup>، ۱۹۵۲: ۲۷۹). در پژوهش حاضر پدیده مورد مطالعه «توسعه دیپلماسی اقتصادی کشورها» و موردهای مطالعاتی حول آن کشورهای «برزیل و ترکیه» هستند که نحوه انتخاب آن‌ها در ادامه بیان شده است.

در این پژوهش، از بین رویکردهای مختلف راهبرد مطالعه موردی، مطالعه موردی با رویکرد «ابزاری»<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعه موردی ابزاری روشی است برای درک کلی یک پدیده. در این رویکرد بر یک موضوع بحث‌انگیز - که در این پژوهش توسعه دیپلماسی اقتصادی است - متمرکز شده و سپس یک یا چند مورد محدود را به عنوان ابزاری برای درک این موضوع انتخاب می‌کنند (استیک، ۱۳۷۹: ۱۷). مطالعه موردی به کاررفته در این پژوهش متمایل به نوع «توصیفی»<sup>۴</sup> است. در روش‌شناسی این پژوهش هدف آن است تا با ارائه جزئیات بیشتر از طریق توصیف و تحلیل، بینش‌های جدیدی برای درک بهتر پدیده توسعه دیپلماسی اقتصادی کشورهای مورد مطالعه ایجاد شود. بدین ترتیب پژوهش حاضر بر توصیف و شرح و تعبیر روایت‌گونه از پدیده توسعه دیپلماسی اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه تأکید دارد و در آن محقق با ذهنی گشوده و فارغ از فرضیه‌های از پیش تعریف‌شده موردها را بررسی می‌کند و فرصت می‌دهد تا الگوها و گزاره‌های جدید از داده‌ها ظهور یابند (دواس، ۱۳۸۷: ۳۰). مراحل انجام این پژوهش مبتنی بر رویکرد مطالعه موردی توصیفی استیک (۱۹۹۴) به شرح زیر است:

۱. بیان هدف و شرح سؤالات پژوهش؛
۲. گردآوری داده‌ها؛
۳. تحلیل داده‌ها؛

---

1. Miles & Huberman  
 2. Good, Hatt  
 3. Instrumental  
 4. Descriptive

#### ۴. توصیف نهایی و ارائه حکم‌ها (علامه، ۱۴۰۰)

برای تأیید اعتمادپذیری نتایج در مطالعات موردی، از دو روش «سه‌سویه‌سازی»<sup>۱</sup> و بازبینی توسط همکار استفاده می‌شود. سه‌سویه‌سازی در تحقیق به معنای استفاده از مجموعه داده‌ها، روش‌ها، نظریه‌ها و یا محققان متعدد برای پرداختن به یک سؤال تحقیق است. این روش به محققان در افزایش اعتمادپذیری یافته‌های خود کمک می‌کند (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۲). جهت تأمین این معیار، در این پژوهش از سه‌سویه‌سازی داده‌ها استفاده شده است به این معنا که داده‌ها از منابع مختلف و متعددی جمع‌آوری شده است تا بر سوگیری‌های ذاتی غلبه شود. تعدد منابع بررسی شده تا جایی که احصای مفاهیم و مقوله‌های جدید به اشباع برسند، تنوع در مراجع تدوین‌گر، تنوع نویسندگان و مراجع انتشاردهنده گزارش‌ها، مقاله‌ها و متون مورد بررسی منجر به غنی‌سازی، افزایش اعتمادپذیری داده‌ها و نتیجتاً یافته‌ها می‌شود.

برای افزایش دقت تحقیق از روش بازبینی توسط همکار نیز استفاده شده است. این روش، تعامل بین محقق و سایر افرادی است که در زمینه تحقیق تجربه دارند و امکان راهنمایی برای طرح تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها را فراهم می‌کنند (استومل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در این تحقیق با هدف به چالش کشیده شدن مطالعه و طرح مباحث انتقادی تکمیلی و اصلاحی (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۲) بازبینی توسط همکار از طریق ارائه تحقیق و یافته‌های آن به متخصص موضوع و دریافت، بررسی و اعمال بازخوردها صورت پذیرفته است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در مطالعه موردی، نحوه انتخاب موردها باید مشخص شود. فهم حداکثری و قابلیت دسترسی به اطلاعات، از مهم‌ترین معیارهای انتخاب موردها است. البته امکان یادگیری از هر معیار دیگر مهم‌تر است و موردها باید با هدف تحقیق مرتبط باشند (استیک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). در این

1. Triangulation

3. Stake



پژوهش که با هدف دستیابی به رهنمودهایی الهام‌بخش برای خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی ایران انجام شده است، با ملاحظه معیارهای انتخاب استیک و همچنین برخورداری مورد از تجربه موفق در دیپلماسی اقتصادی، مشابهت حداکثری در شرایط<sup>۱</sup> یا سیاست‌های کلی توسعه و نیز ظرفیت‌های موجود، مطابق جدول (۲)، دو کشور برزیل و ترکیه برگزیده شدند.

البته تطبیق کامل موردهای مطالعاتی با شرایط کشور ایران اساساً میسر نیست چراکه هر مورد، منحصربه‌فرد و یکتا است (علامه، ۱۴۰۰). بدین منظور بر مبنای معیارهای مندرج در جدول (۲)، و ویژگی‌های هر یک از کشورهای برزیل و ترکیه ذیل آن‌ها (میرزایی، عباس‌زاده فتح‌آبادی، صدری علی بابالو، ۱۳۹۳؛ سلیمی فرد، یوسفی، شهابی، عبدالخانی، ۱۴۰۱؛ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: دیپلماسی اقتصادی برزیل، ۱۴۰۱؛ ساباچی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲؛ سازمان تجارت جهانی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲ و آلتی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۴). این دو کشور که امکان یادگیری الگوی توسعه دیپلماسی اقتصادی برای ایران را فراهم می‌کنند؛ به‌عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده‌اند.

جدول ۲: انتخاب موردهای مطالعاتی

کشورهای مورد مطالعه		معیارها
ترکیه	برزیل	
واقع شدن در محیط همسایگی، برخورداری از منابع معدنی، پوشاک، گردشگری، استعداد ترانزیتی، کشاورزی، عضو ۲۰ کشور صنعتی جهان، توان پیمانکاری عمرانی.	تولیدکننده بزرگ محصولات کشاورزی دنیا، دام‌پروری، معادن، نفت و گاز، سومین کشور صنعتی قاره آمریکا، منسوجات و وسایط نقلیه	۱. تشابه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها با ایران
متنوع‌سازی شرکای تجاری، نفوذ در آسیای مرکزی، رشد شاخص‌های تجارت خارجی، ظهور در قالب یک قدرت منطقه‌ای، بهبود شاخص‌های	تنوع‌بخشی به همتایان بین‌المللی، تقویت هم‌گرایی در منطقه آمریکای	۲. تجربه موفق در دیپلماسی اقتصادی

1. Context
2. Subacchi
3. World Trade Organizatio
4. Altay

کشورهای مورد مطالعه		معیارها
ترکیه	برزیل	
اقتصادی، توسعه صنعتی، جذب سرمایه خارجی.	لاتین با تشکیل مرکوسور <sup>۱</sup> ، عضویت در بریکس <sup>۲</sup> و سایر توافقنامه‌های تجاری. خروج از بحران اقتصادی و قرارگرفتن در جمع ۱۰ اقتصاد برتر جهان در سال‌های اخیر.	
دگرگونی در اقتصاد سیاسی در دو دهه اخیر و رسیدن به رشد اقتصادی دوام‌دار. ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی ترکیه مبتنی بر بخش‌های دولتی و خصوصی. پیوستن به معاهدات تجاری بین‌المللی مثل گات، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه گمرکی اروپا، اتحادیه مدیترانه. حمایت از تولید و توسعه صنعتی.	ایستادگی دیپلماتیک و نرم در برابر دستور کارهای سلطه‌جویانه کشورهای مسلط. پشت سرگذاشتن مراحل صنعتی شدن و پایش تورم و تثبیت پولی ملی، افزایش ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، خصوصی‌سازی و مدرن‌سازی صنعت و صادرات، حمایت از تولید ملی. عضویت در معاهدات تجاری بین‌المللی	۳. شرایط کلی سیاسی-اقتصادی
حل تعارضات با کشورهای همسایه، استفاده از نخبگان اقتصادی، توسعه صنعتی، رونق تولید داخل، افزایش صادرات، تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، حضور فعال در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی	موازنه نرم در مقابل سلطه جویان اقتصاد بین‌المللی همراه با همکاری با قدرت‌های نوظهور (تعامل توأمان با شمال و جنوب)، کاهش نابرابری‌های اقتصادی، تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۴. پایه‌های اصلی توسعه دیپلماسی اقتصادی

۱. بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (Mercado Común del Sur)

۲. گروه بریکس یک گروه بین‌المللی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهوری است. بریکس (BRICS) مخفف پنج اقتصاد بزرگ در حال ظهور است: برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی.



#### ۴-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

منظور از تجزیه و تحلیل، معنا دادن به داده‌ها و مشاهدات اولیه و تدوین نهایی آن‌ها است (استیک، ۱۳۷۹، ۱۴۰-۱۴۵). بدین ترتیب با تحلیل اسناد مرتبط، همانند کدگذاری باز در نظریه داده‌بنیاد، «تجمیع مقوله‌ای»<sup>۱</sup> رخ می‌دهد (کرسول و پات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۱۶۳-۱۶۴). بدین ترتیب با تحلیل داده‌ها، معانی مرتبط با موضوع پژوهش در متن یافته شده و کدهای مستخرج از آن‌ها در قالب مفاهیم انتزاعی تری طبقه‌بندی می‌شوند. در ادامه با ترکیب مفاهیم، مقوله‌های فرعی و با ترکیب و دسته‌بندی مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی پدید می‌آیند. این نوع تحلیل، استقرایی است و محقق مقوله‌ها را از دل داده‌ها و متون استخراج می‌کند. آنچه در ادامه آورده می‌شود، ماحصل مطالعه موردها و تجزیه و تحلیل آن‌ها است.

#### ۴-۲. بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی در برزیل

در میان کشورهایی که تحقق اهداف اقتصادی را در صدر ملاحظات سیاسی خارجی خود قرار داده‌اند می‌توان به تجربه موفق برزیل اشاره کرد. برزیل طی یک فرایند پیچیده، پرفرازونشیب و طولانی، مراحل صنعتی شدن را پشت سر گذاشت و به‌عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی به رسمیت شناخته شده است. در دهه اخیر، برزیل روابط اقتصادی خود را به کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای منطقه آمریکای جنوبی تغییر داده و خود را در مسیر توسعه‌یافتگی قرار داده است. برزیل دیپلماسی اقتصادی خود را برپایه ترویج اتحادهای منطقه‌ای، موازنه نرم در مقابل سلطه جویان مسلط بر اقتصاد بین‌الملل و افزایش رشد اقتصاد داخلی بنا کرده است (ساباچی، ۲۰۰۸: ۴۱). برزیل در آغاز فرایند قدرت‌یابی و نقش‌آفرینی در اقتصاد و سیاست جهانی است و به‌عنوان یک قدرت نوظهور در جهان جنوب دسته‌بندی می‌شود که اهمیت جهانی آن ناشی از وسعت منابع طبیعی و اقتصادی است. این کشور به لحاظ برخورداری از محیط مناسب، مستعد توسعه منطقه‌ای و بین‌المللی است (سوترو و

۱. Categorical Aggregation

۲. Creswell & Pot

آرمیجو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۸۹). برای بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل براساس روش تحقیق بیان شده، منابع مختلف تا جایی که نوعی اشباع در احصای مطالب جدید رخ دهد، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن مستند به منابع مورد نظر<sup>۲</sup> در جدول (۳)، بیان شده است:

جدول ۳: کدگذاری و مقوله‌بندی توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل

توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل			
کد	مفهوم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
B1	وضع سیاست تجاری مبتنی بر تعرفه برای محافظت از صنایع داخلی و تضمین رقابت عادلانه، برخورداری نظام تعرفه برزیل از موارد استثنا برای ضرورت‌های واردات و کمک به صادرات.	تعرفه گذاری	نظام تعرفه تجاری
B5	کاهش متوسط نرخ تعرفه به دلیل مشارکت در قراردادهای تجارت آزاد و تلاش برای کاهش قیمت تمام‌شده کالای وارداتی		
B2	وضع موانع غیر تعرفه‌ای مانند سهمیه‌بندی، مجوز واردات و مقررات فنی برای تنظیم واردات	تنظیم واردات	حمایت از تولید داخلی
B19	استفاده از ابتکارات رقابتی در داخل از طریق اداره ملی رقابت و شورای اجرایی دفاع اقتصادی	رقابتی‌سازی تولید داخل	
B21	تعیین مشوق‌هایی توسط دولت برای رسیدن به تولید پایه داخلی با حداکثرسازی ظرفیت همراه با صنعتی و مدرن‌سازی	افزایش ظرفیت تولید داخلی	
B35	تمرکز و توسعه روی صنایع دارای مزیت رقابتی (مثل کشاورزی و معدن)	مزیت آفرینی	

#### ۱. Subacchi

۲. (سلیمی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱؛ خادم المله، ۱۳۹۱؛ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: دیپلماسی اقتصادی برزیل، ۱۴۰۱؛ مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی: دیپلماسی اقتصادی: بررسی تجربه برزیل، ۱۴۰۱؛ Harrison, Rutherford, Tarr, Gurgel, 2004; Sotero, Armijo, 2007; Polaski, 2009; Subacchi, 2008; Dimaranan, 2005; World Trade Organization, (2022; Report of Institute for applied Economic Research, 2019).



توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل			
گسترش، کیفی و متنوع‌سازی صادرات	یارانه صادراتی	یارانه‌های صادراتی به روش‌هایی چون معافیت‌های مالیاتی، کمک‌های بلاعوض وام‌ها و ... با هدف ارتقای صادرات و تحریک رشد اقتصادی، ساده‌سازی رویه‌های گمرکی و کاهش هزینه‌های تجاری	B3
	رقابتی‌پذیری تولید داخل	بهبود کیفیت صادرات از طریق اقداماتی چون سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، بهبود گواهینامه محصول و ترویج شیوه‌های پایدار تولید. کاهش مالیات بر صادرات برای افزایش رقابت‌پذیری کالاها و خدمات در بازار جهانی	B7
		حضور فعال در نمایشگاه‌ها و رویدادهای تجاری بین‌المللی	B9
	رشد صادرات	رشد نرخ تجارت در کالا و خدمات به تولید ناخالص ملی	B12
	مکانیزاسیون یکپارچه ملی و فراملی	الکترونیکی شدن رویه‌های رسمی صادراتی، مدیریت فرایندها از طریق سامانه‌های یکپارچه الکترونیکی	B18
ادغام و یکپارچگی در زنجیره ارزش جهانی	همکاری‌های دو یا چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	سازمان‌دهی نظام‌های تجارت خارجی عموماً در قالب بلوکی، عضویت در مرکوسور برای دسترسی ترجیحی به بازارهای همسایه، تنوع‌بخشی به همتایان بین‌المللی، تقویت هم‌گرایی در منطقه آمریکای لاتین	B4
		عقد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با پرو، هند، مصر، شیلی، ایتالیا، دانمارک، کوبا، کره، مکزیک و ...	B6
	رایزنی در نظام تجارت بین‌الملل	مشارکت فعالانه در مذاکرات سازمان تجارت جهانی و فرایندهای حل‌وفصل اختلافات؛ تضمین نظام تجارت جهانی	B8
توسعه زیرساخت‌ها	یکپارچه‌سازی حمل‌ونقل	بهبود بنادر و فرودگاه‌ها، احداث جاده‌ها	B10
	توسعه صنعتی	اصلاحات عمده در سیاست‌ها و نیز زیرساخت‌های بخش تولیدات صنعتی	B25
اصلاحات نهادی و قانونی	مشارکت بخش خصوصی و مدنی	کم‌رنگ کردن ردپای نهادهای دولتی در اقتصاد و واپایش نهادهای عمومی و توسعه مشارکت بخش خصوصی و مدنی. کاهش نقش دولت فدرال در اقتصاد و حضور تشکل‌ها در اداره امور اقتصادی	B24

توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل		
		<p>B37</p> <p>بسیج گسترده و سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی حول موضوع مذاکرات تجاری (همکاری با نهادهای جامعه مدنی). راه‌اندازی شبکه‌ای از حدود ۳۵ سازمان غیردولتی، نهادهای تجاری و جنبش‌های اجتماعی که به‌طور خاص برای پرداختن به مسائل مربوط به مذاکرات تجاری طراحی شده بودند.</p>
	اصلاحات و نوآوری‌های قانونی برزیل برای بهبود محیط کسب‌وکار در ۲۰۲۱، ایجاد نهاد بازرسی سرمایه‌گذاری و اصلاحات رویه‌ها	B14
	اصلاحات رویه‌ای	B28
	مالکیت معنوی	B23
	رفع صعوبت در تجارت	B30
	تغییرات نهادی	B36
	هدف‌گذاری نهادی	B17
پایداری اقتصاد	و‌اپایش تورم و تثبیت پول ملی	B13
	رفع مخاطرات رشد اقتصادی	B26
	بهبود خطرپذیری مالی	B27



توسعه دیپلماسی اقتصادی برزیل			
	رشد اقتصادی	افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد در پی اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری برای تحقق رشد اقتصادی	B29
جذب سرمایه خارجی	سرمایه‌پذیری	وضع سیاست‌های تشویقی سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در بخش‌های راهبردی	B11
ارتقای صلح و امنیت	مبارزه با سلطه اقتصادی	مبارزه با توسعه نامتقارن، تقویت چندجانبه‌گرایی و کمک به نظم جهان چندقطبی و موازنه نرم در برابر سلطه جویان مسلط به نظام اقتصاد بین‌المللی	B34
	توسعه روابط جنوب و شمال	توسعه روابط جنوب-جنوب و گسترش و نگهداشت رابطه با کشورهای شمال و رابط بین جنوب و شمال	B16

#### ۳-۴. بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی در ترکیه

ترکیه از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خود را برای حمایت از توسعه صنعتی به روز کرد. قوانین جدید پیرامون تولید محصولات ایمن، صنعتی شدن، گمرک، ارتقای فناوری‌ها، حمایت از تولید داخل و حفاظت از داده‌ها وضع شد (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۳). اقتصاد، جزء اصلی سیاست خارجی و دیپلماسی در ترکیه است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳). اقتصاد انگیزه و عامل اصلی در تحرکات دیپلماتیک ترکیه از سال ۲۰۰۳ به بعد بوده و سیاست خارجی این کشور با ملاحظات اقتصادی شکل گرفته است (کریسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

حاکمیت سیاستمداران توسعه‌گرا موجب تغییر شاخص‌های توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه در دهه اخیر شد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳). ترکیه در دهه‌های اخیر تلاش زیادی برای ایجاد تحول در اقتصاد سیاسی خود کرد. رشد اقتصادی نسبتاً پایدار، جهش‌های صادراتی و تنیدگی فزاینده این کشور در اقتصاد جهانی نمونه‌هایی از این دگرگونی‌اند. ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی ترکیه در قالب مدل هماهنگی مفهوم‌بندی می‌شود. طیف وسیعی از نهادهای بخش دولتی و خصوصی در شکل‌دهی به دیپلماسی اقتصادی این کشور

1. Kirisci

نقش آفرینی می‌کنند. چشم‌انداز ترکیه تبدیل این کشور به یکی از ده اقتصاد بزرگ جهان است و راهبرد توسعه صنعتی این کشور تنیده شدن در زنجیره‌های جهانی ارزش و تبدیل شدن به هاب تولید و صادرات کالاهای با فناوری متوسط و بالا در اوراسیا است (گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: دیپلماسی اقتصادی ترکیه، ۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی در ترکیه، ضمن گسترش کمی و استمرار در بازارهای صادراتی، با حمایت از بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی، سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه خارجی و انتقال فناوری موجب رونق اقتصاد ملی این کشور شده است (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۴۰۲). از ترکیه می‌توان به دلیل برخورداری از سهم قابل قبول در واردات کشورهای همسایه، به‌عنوان یک کشور موفق در دیپلماسی اقتصادی همسایگان نام برد. علاوه بر آن، ترکیه در سال‌های اخیر تمرکز دیپلماسی اقتصادی خود را نفوذ بر بازارهای دوردست و اقتصادهای بزرگ قرار داده است (گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: دیپلماسی اقتصادی ترکیه، ۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی ترکیه باعث بهبود شاخص‌های خرد و کلان توسعه اقتصادی شده و این کشور را در جمع ۲۰ اقتصاد اول دنیا قرار داده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳). برای بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه براساس روش تحقیق بیان شده، منابع مختلف تا جایی که نوعی اشباع در احصای مطالب جدید رخ داد؛ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۴ بیان شده است (هاشمی، بخشی، ۱۴۰۱؛ جانسیز، اصلانی، ۱۴۰۱؛ کشیشیان، نجف‌آبادی، ۱۳۹۸؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۱؛ شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۴۰۲؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱؛ اونال، ۲۰۱۹؛ آلتی، ۲۰۲۴؛ سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۳؛ کورتاران، ۲۰۲۰؛ کرسی، ۲۰۰۹).

جدول ۴: کدگذاری و مقوله‌بندی توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه

توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه			
کد	مفاهیم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
T34	تأثیرپذیری از جریان‌های مالی بین‌المللی و نهادهای اقتصادی جهانی برای کاهش تصدی دولت	اقتصاد آزاد	



توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه			
مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم اولیه	کد
تحول در نظام مالی و اقتصادی		در اقتصاد و انجام برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی در خصوص آن	
	نظام اقتصاد جهانی	تطبیق‌پذیری با قوانین اقتصاد بین‌الملل و رویه‌های تجارت جهانی و اصلاح ارکان مالی و اقتصادی	T42
	محور مبادلات مالی	تبدیل کردن استانبول به مرکز مبادلات مالی منطقه‌ای و بین‌المللی	T27
	ثبات اقتصاد	رفع مشکلات بحران ارزی، نرخ بیکاری، کاهش نرخ فقر، افزایش نرخ رشد اقتصادی، کاهش تورم، کاهش میزان بدهی‌ها، کاهش کسری بودجه، احیای ارزش پول ملی، استقلال نهادهای مقرراتی مالی	T29
ارتقای توان ساخت داخل (حمایت از تولید داخلی)	توسعه صنعتی	اولویت کلیدی دوره جدید توسعه صنعتی بر نوعی جهش در توسعه صنعتی و صنایع ملی	T2
	توسعه ظرفیت علم و فناوری	تبدیل شدن به هاب تولید و صادرات کالاهای با فناوری متوسط و بالا در اوراسیا	T8
	توسعه زیرساخت‌ها	ارتقای بخش‌های زیرساختی برای اجرایی شدن اهداف راهبردی راهبرد توسعه صنعتی	T10
	بهبود فضای کسب‌وکار	بهبود فضای کسب‌وکار برای اجرایی شدن اهداف راهبردی راهبرد توسعه صنعتی	T11
	حمایت از تولید و اشتغال	تمرکز دیپلماسی اقتصادی دولت ترکیه بر تقویت تولید داخل و ایجاد اشتغال	T24
	واپایش واردات	واپایش و نظارت بر واردات مثل اتخاذ سیاست‌های ضد دامپینگ و ورود محصولات استاندارد	T32
	مزیت‌آفرینی	تمرکز و توسعه روی صنایع دارای مزیت رقابتی (گردشگری، نساجی و پوشاک، ترانزیت انرژی)	T30
جذب سرمایه خارجی	سرمایه‌پذیری	جذاب‌تر کردن محیط سرمایه‌گذاران خارجی با طراحی و اجرای سیاست تجاری منسجم و بهره‌گیری از موقعیت تجاری این کشور، گسترش معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و اجرای سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی	T41

توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه			
کد	مفاهیم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
T27	تبدیل کردن استانبول به مرکز مبادلات مالی منطقه‌ای و بین‌المللی	محور مبادلات مالی	
T25	رفع چالش سیاسی و امنیتی مانع همکاری‌های اقتصادی ترکیه با برخی همسایگان	تنش‌زدایی سیاسی-امنیتی	ارتقای صلح و امنیت
T43	تمرکز دیپلماسی اقتصادی دولت ترکیه بر افزایش نفوذ در منطقه به‌عنوان قدرت نرم و نیمه سخت	نفوذ منطقه‌ای	
	تقویت گردشگری از طریق سیاست بهبود تصویر کشور	بهبود تصویر کشور	
T38	افزایش رقابت‌پذیری جهانی ترکیه در پی آزادسازی تعرفه‌ها و نظام تعرفه ترجیحی	تعرفه‌گذاری	نظام تعرفه تجاری
T3	توجه روزافزون به کانون‌های جدید ثروت و بازارهای جدید، افزایش پراکندگی سبدهای صادراتی و وارداتی (اروپا، آفریقا، امریکای لاتین، منطقه همسایگی، کشورهای عربی)	متنوع‌سازی شرکا	ادغام و اثرگذاری بر زنجیره تجارت و اقتصاد جهانی
T12	تنیده شدن راهبرد توسعه صنعتی این کشور در زنجیره‌های جهانی ارزش	زنجیره‌سازی جهانی صنعت	
T4	حضور در نظام تجارت چندجانبه و روی آوردن به موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای	موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و ترجیحی	
T18	صادرات ۷۰ درصدی به محیط همسایگی، روابط روزافزون با همسایگان منطقه‌ای و رسیدن به مشکل صفر با آنها	تجارت منطقه‌ای	
T37	افزایش اثربخشی ترکیه در اقتصاد بین‌المللی و نظام مالی جهانی، تعامل با رژیم‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	اثربخشی در نظام‌های جهانی	
T13	عضویت در سازمان تجارت جهانی و انعقاد مهم‌ترین موافقت‌نامه تجاری با اتحادیه اروپا در قالب اتحادیه گمرکی	تجارت فرامنطقه‌ای	
T19	تمرکز با بازارهای دوردست و افزایش صادرات به کشورهایی که نقش کانونی در اقتصاد جهانی دارند،		



توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه			
مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم اولیه	کد
	دیپلماسی اقتصادی فراگیر	محدود نشدن به اتحادیه اروپا و تعامل با همه بازیگران بین‌المللی	T42
		توازن در روابط با شرق و غرب و ترسیم ماهیت چندمنطقه‌ای ترکیه	
	تشکیل و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای	تشکیل شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان، سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه و اتحاد برای مدیترانه، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه آفریقا و ...	T28
متنوع‌سازی و توسعه صادرات	تسهیل تجارت	اولویت بخشیدن راهبرد صادراتی ترکیه بر ساختار صادراتی مدرن و منعطف مبتنی بر فناوری	T17
	افزایش پایدار صادرات	افزایش پایدار صادرات با هدف صادرات با ارزش افزوده بالا و رقابت‌پذیر، ایجاد نسل جدید مناطق آزاد، تأمین مالی و حمایت از صادرات، تنوع‌بخشی به بازارها، اعمال مشوق‌های صادراتی	T20
	دیجیتالی‌سازی تجارت	دیجیتالی‌سازی و تسهیل تجاری، استقرار برنامه‌های دیجیتالی کاربردی و تسهیل‌کننده برای صادرکنندگان، قانون‌گذاری برای توسعه تجارت الکترونیک و رشد رتبه ترکیه در آن	T21
	ترانزیت انرژی	طراحی و پیگیری راهبرد ترانزیت انرژی از طریق ایجاد زیرساخت‌ها و به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگی با کشورهای سرشار از منابع انرژی و در نهایت تبدیل شدن به هاب انرژی	T44
اصلاحات نهادی و قانونی	مالکیت معنوی	وضع و اجرای قانون حمایت از داده‌ها و حقوق مالکیت معنوی و کپی‌رایت	T35
	مشارکت بخش خصوصی	نقش‌آفرینی طیف وسیعی از نهادهای بخش مدنی و خصوصی در شکل‌دهی به دیپلماسی اقتصادی و خصوصی‌سازی بخش‌های کارآفرین دولتی، حضور نمایندگان بخش خصوصی در گروه‌های دوجانبه و بین‌المللی مشترک	T1

توسعه دیپلماسی اقتصادی ترکیه			
کد	مفاهیم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
T40	دولت، تجار و بازرگانان را در سفرهای رسمی برای فعال کردن ظرفیت‌های تجاری بین کشورها همراه می‌کرد	تعامل بخش دولتی و خصوصی	
T6	همکاری و هماهنگی نهادهای مختلف در طراحی و اجرای دیپلماسی اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر کنش‌ها و چانه‌زنی این نهادها در دو بخش دولتی و خصوصی		
T7	تأسیس نهادهای مالی مستقل از دولت برای تداوم اصلاح ساختاری به‌صورت نهادی		
T36	انجام اصلاحات ساختاری عمیق براساس رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی	اصلاحات و توسعه ساختاری	
T9	ایجاد انجمن‌های اقتصادی همچون کنفدراسیون تجار و صنعت گران ترکیه و گروه‌هایی برای توسعه تجارت در خلیج فارس (موسیاد) و اروپا (توسیاد) و الحاق این کشور به اتحادیه اروپا		
T14	اکثریت یافتن حزب اسلام‌گرای اعتدال و توسعه در پی رفع اختلافات احزاب و سقوط دولت‌های ائتلافی	حاکمیت	ثبات سیاسی

#### ۴-۴. جمع‌بندی

در پی تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش مقوله‌های ناظر بر خط‌مشی‌های توسعه دیپلماسی اقتصادی کشورهای برزیل و ترکیه به دست آمد که در جداول شماره (۳) و (۴) ارائه شد. برزیل و ترکیه مبتنی بر این مقوله‌های سیاستی توانسته‌اند ضمن رشد اقتصادی، جایگاه و وضعیت خود را در نظام اقتصاد جهانی بهبود داده و ارتقا بخشند و از دیگر پیامدهای آن به‌عنوان قدرت نرم بهره‌جویند (سازمان جارت جهانی، ۲۰۲۲-۲۰۲۳).

رویکرد اصلی و حاکم بر ساختار اقتصاد سیاسی ایران آن است تا کشور به بازیگری فعال در اقتصاد سیاسی جهان بدل شود. طبیعی است دستیابی به این راهبرد مهم، مجموعه الزاماتی را متوجه نهادها و ارکان تصمیم‌گیری کشور می‌کند (باقری، سیف، شهبازی، ۱۳۹۶). از آنجاکه



دولت‌ها بیشترین اثرگذاری بر تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری روابط اقتصادی خارجی را دارند (صادقی شاهدانی، توکلی، عرب‌پور، ۱۴۰۰)، بنابراین نقش دولت‌ها در خط‌مشی‌گذاری دیپلماسی اقتصادی پررنگ‌تر از نقش اجرایی آن‌ها است.

بی‌تردید بررسی تجارب موفق دیگر کشورها در سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی و اجرای دیپلماسی اقتصادی، می‌تواند برای دیگر کشورها که به دنبال حضور در اقتصادهای منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، از جمله کشور ایران مفید واقع شود تا این کشورها بتوانند نقشه راه دیپلماسی اقتصادی خود را با الهام گرفتن از مسیر پیموده شده و تجارب کشورهای دیگر و قدرت‌های نوظهور اقتصادی تدوین نمایند (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۷). همان‌گونه که در روش‌شناسی تحقیق اشاره شد، گام آخر در مطالعه موردی، توصیف نهایی و ارائه احکامی است که می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد‌های سیاستی نیز مطرح شود (استیک، ۱۳۷۹، ۱۳۵).

آنچه در مطالعه موردی برزیل و ترکیه در باب توسعه دیپلماسی اقتصادی بیان شد؛ در قالب توصیف و حکم‌ورزی، الهام‌بخش کشورهایی خواهد بود که برای دستیابی به توسعه، امنیت و عدالت اقتصادی از طریق توسعه دیپلماسی اقتصادی اولویت‌قائل هستند و این توصیفات می‌تواند رهنمون سیاست‌ورزان و سیاست‌گذاران کشور برای طرح‌ریزی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز باشد.

آنچه به‌طور کلی از مطالعه انجام شده در این پژوهش حاصل می‌شود، می‌تواند در قالب احکام یا پیشنهاد‌های سیاستی زیر ارائه گردد:

۱. کشورهای در حال توسعه با استفاده هدفمند از تجارت آزاد و ظرفیت‌های تجارت خارجی در عین حمایت به دور از تعصب از خودکفایی، با ابتنا بر توسعه برون‌گرا به پیشرفت و توسعه دست می‌یابند.
۲. تشکیل مرزها و نظام‌های جدید در اقتصاد بین‌الملل با تشکیل یک نوع هم‌گرایی و مشارکت با جنوب و شمال، باعث ارتقای قدرت و جایگاه کشور در عرصه بین‌الملل خواهد بود. این اقدام یک نوع واسطه‌گری و موازنه‌بخشی بین قدرت‌هاست.

- بین‌المللی‌گرایی در چهارچوب چندجانبه‌گرایی، ابتدائاً با تمرکز بر فرصت‌ها و موقعیت‌های منطقه‌ای یک راهبرد مؤثر در توسعه دیپلماسی اقتصادی است که به تثبیت جایگاه کشور در قطب‌های جدید اقتصاد بین‌الملل کمک می‌کند.
۳. گام مهم در توسعه‌یافتگی از مسیر دیپلماسی اقتصادی، تعامل و یکپارچگی هدفمند اقتصاد ملی با نظام اقتصاد بین‌الملل برای تبیین جایگاه کشور و اثرگذاری در نظام بین‌الملل و تضمین منافع خود و هم‌پیمانان است.
۴. ارتقای توان ساخت داخل و حمایت از تولید ملی از طرق مختلف از جمله وضع موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌گذاری تجاری برای کمک به صادرات و واپایش واردات، استفاده از ابتکارات نوآورانه و رقابتی‌سازی تولید، صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی محصولات و خدمات وضع سیاست‌هایی برای حمایت‌های مالی، مالیاتی، گمرکی و همچنین ارتقای بخش‌های لجستیکی و زیرساختی، تسهیل کسب‌وکار، ارتقای ظرفیت‌های علمی، دانش‌بنیان و فناورانه برای کیفی‌سازی و متنوع‌سازی تولید و ایجاد توان رقابتی صادرات در زنجیره جهانی صنعت می‌تواند یک عامل کلیدی و مزیت آفرین در رویکرد توسعه و دیپلماسی اقتصادی باشد.
۵. ترجمان بخشی از مفهوم درون‌زایی به موضوع توجه به ظرفیت‌های درونی برای بیشینه کردن بهره‌وری و افزایش ثروت در جهت رشد پایدار اقتصادی و مفهوم برون‌گرایی حول بسط و گسترش همکاری‌ها و تبادلات اقتصادی با همه کشورها که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی طرح شده است (لطفی و توکلی، ۱۳۹۹)، در قالب همین سیاست پیشنهادی دنبال می‌شود.
۶. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک جزء لاینفک در نظام اقتصادی بین‌المللی باز و کارآمد است. همچنین یک عامل کلیدی و اثرگذار در روند و سرعت توسعه کشورها به شمار می‌آید. دیپلماسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و البته در اقتصادهای در حال ظهور طریقی است که باید کشورها به وسیله آن سرمایه‌های خارجی را به‌طور وسیع و افزایشی جذب کنند. در این مسیر نهادسازی جذب سرمایه خارجی، گسترش



معاهدات سرمایه‌گذاری وضع سیاست‌های تشویقی و حمایتی برای جذب سرمایه، تشنج‌زدایی و اجتناب از درگیری‌های دیپلماتیک با دیگر کشورها، بهبود تصویر کشور و توجه به وجوه مشترک فرهنگی، تاریخی و اسلامی با کشورهای هدف، اثرگذاری و تعامل سودبخش با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، پذیرش مقررات بین‌المللی نظام پولی نظیر مبارزه با پول‌شویی برای کاهش خطرپذیری‌های مالی و مبارزه با فساد اقتصادی، معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، کاهش دولت‌محوری و افزایش خصوصی‌سازی در اقتصاد می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۷. ثبات سیاسی و امنیت پایدار در تعامل کامل و نزدیک با توسعه اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که تقدم هریک بر دیگری بر وجهی از تقلیل‌گرایی قرار گرفته است. بی‌تردید در بی‌ثباتی سیاسی، توسعه با خطرها و چالش‌های عمده مواجه خواهد بود. رشد اقتصادی و ساختار سیاسی رابطه نزدیک و متقابل دارند. بی‌ثباتی سیاسی فرصت‌سوز است و فرصت‌های پیش روی رشد و توسعه کشور را به چالش می‌کشد. در این حالت، منازعات، تنش‌ها و تکانه‌های غیرقابل پیش‌بینی و ناهنجار روند طبیعی نظام اقتصادی کشور را منحرف و کند می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی با افزایش خطرها و به مخاطره انداختن امنیت اقتصادی، امکان و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. بنابراین تنش‌زدایی، رفع نزاع‌های داخلی و خارجی و اتخاذ رویکرد سازنده و مبتنی بر به‌کارگیری قدرت نرم، زمینه‌ساز رشد و مؤید توسعه دیپلماسی اقتصادی است که باید مدنظر حاکمان و سیاست‌مداران قرار گیرد.

۸. اصلاحات ساختاری و قانونی از مهم‌ترین عوامل بسترساز برای توسعه دیپلماسی اقتصادی کارآمد و مؤثر است. تغییر تدریجی ساختار نهادی سیاست تجاری و اصلاحات قانونی مرتبط باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن تسریع و تسهیل امور، چارچوب‌ها و روش‌هایی منطبق با ملزومات آن را پدید آورد و باعث توزیع مسائل مختلف سیاستی در میان نهادهای مختلف شود. اصلاح ساختاری باید موجب بازتعریف نقش‌ها یا تعریف مأموریت‌های جدید و کار ویژه‌های عملیاتی و فرصت

محور در زمینه دیپلماسی اقتصادی شود. اصلاحات قانونی و رویه‌ای در ادامه اصلاحات ساختاری پیرامون بازیگران سیاسی-اقتصادی، باید موجب هم‌سویی با قوانین اقتصاد بین‌المللی و تسهیل کسب‌وکارها شود. این اصلاحات باید در نظام بانکی، مالیاتی و گمرکی به‌طور خاص کرد یابد و امکان بهره‌مندی از مکانیسم‌های یکپارچه اقتصاد بین‌الملل را نیز فراهم آورد. از آن جمله وضع سیاست‌های تجاری مبتنی بر تعرفه است که از طرفی برای حمایت از صادرات و افزایش رقابت‌پذیری جهانی و از سوی دیگر برای واپایش واردات و محافظت از صنایع داخلی و رقابت عادلانه یک ابزار مؤثر بر توسعه دیپلماسی اقتصادی و تعاملات تجارت جهانی کشورها است.

۹. خصوصی‌سازی و افزایش مشارکت آن در اقتصاد نیز به‌عنوان یک سیاست اقتصادی برآمده از اصلاحات ساختاری و نهادی در اقتصاد، برای تعادل بخشیدن میان دولت و بازار و کم‌رنگ نمودن ردپای نهادهای دولتی در اقتصاد و واپایش نهادهای عمومی، فرصتی برای نقش‌آفرینی طیف وسیعی از نهادهای بخش مدنی و خصوصی در شکل‌دهی به دیپلماسی اقتصادی و بسیج‌گسترده و سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی مختلف حول مذاکرات تجاری را پدید می‌آورد. از آنجایی‌که علاوه بر بخش دولتی و شبه‌دولتی، شرکت‌های بزرگ و بعضی نهادهای اقتصادی و غیراقتصادی خصوصی نیز در اقتصاد ایران حضور فعال دارند، در جهان پرشتاب و مدرن امروز، بدون همکاری و هماهنگی بین همه دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌نفع و تأثیرگذار در عرصه اقتصاد و سیاست، جان دادن به دیپلماسی اقتصادی و بالا بردن سهم ایران از تجارت بین‌المللی دشوار و حتی نشدنی است. بنابراین بازآرایی و پیکربندی ساختار و قوانین برای حضور مؤثر و چالاک بخش خصوصی و سایر بازیگران غیردولتی در اقتصاد بین‌الملل و برای کمک به توسعه دیپلماسی اقتصادی کشور ضروری است.

۱۰. ساختار نظام بین‌الملل متأثر از نقش بازیگران مهم است. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی رکن انکارناپذیر سیاست و روابط بین‌الملل اند. تعامل و همکاری با رژیم‌ها



و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه با ماهیت سیاسی و اقتصادی ضمن حمایت از چندجانبه‌گرایی، اعتمادسازی و حفظ صلح و امنیت، سازوکار جهان تک‌قطبی و انحصار برخی دول بر جهان را به چالش کشیده و در جهت گسترش پدیده جهانی‌شدن گام بر می‌دارد. تشکیل یا عضویت در شوراها، همکاری، سازمان‌های جهانی، بلوک‌های سیاسی-تجاری، دفاتر همکاری‌های بین‌الملل و سایر مجامع بین‌المللی برای اثرگذاری بر مناسبات سیاسی و اقتصادی، متوازن‌سازی قدرت و نفوذ در نظام مالی جهانی از جمله آن اقدامات است که گسترش و تعمیق روابط با بازیگران و نهادهای فراملی در جهت افزایش بنیه قدرت نرم کشور را به دنبال خواهد داشت. همین‌طور چهارچوب‌پذیری از معاهدات و قوانین یکپارچه تعریف شده در این نهادها، می‌تواند به‌عنوان مرکز ثقل تنظیم و هدایت سیاست‌ها و تسهیل‌گر و تسریع بخش تفاهم و هم‌افزایی بین دولت‌ها در توسعه دیپلماسی اقتصادی عمل کند؛ اگرچه این تطابق نوعی جبر و محدودیت خودخواسته در قانون‌گذاری و قانون‌پذیری برای کشورها به‌همراه دارد.

۱۱. ثبات اقتصادی در گرو اصلاح نظام حکمرانی اقتصادی به‌عنوان یک راه نجات برای ثبات پایدار در اقتصاد ایران است که آن هم در راستای ارتقا و بهبود کیفیت سیاست‌گذاری در کشور است. اصلاحات ساختاری و تقنینی که منجر به حصول مطلوبیت در اقتصاد خرد و کلان و رفع عدم قطعیت و نا اطمینانی در اقتصاد شود و بسیاری از ناخوشایندهای اقتصاد کشور در بحران‌های ارزی، نرخ بالای بیکاری، رشد اقتصادی پایین و نوسانی، تورم بالا و مزمن، میزان بدهی‌ها، کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی، ناترازی نظام بانکی، سهم پایین سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه، مشکلات بازار سرمایه، گسترش فساد اقتصادی، افزایش نابرابری در ثروت را مرتفع کند؛ ضمن رفع مداخله‌گرها، نوید ظهور پیشران‌ها و بسترهای حمایتی برای توفیق اقتصادی و توسعه دیپلماسی اقتصادی کشور را خواهد داد.

۱۲. دیپلماسی اقتصادی فراگیر دلالت بر ارتباط اقتصادی هدفمند در قالب سیاست خارجی متوازن با طیف وسیعی از کشورهای تأمین‌کننده منافع ملی و پرهیز از رویکردهای تقلیل‌گرایانه و محدودکننده دارد. دیپلماسی اقتصادی همه‌جانبه‌نگر و فراگیر باید به برقراری روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای حوزه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با رویکرد منفعت‌محوری بپردازد. تعامل هم‌زمان با کشورهای شمال و جنوب و همچنین کشورهای مؤثر بر اقتصاد جهانی، منجر به متوازن‌سازی و چندقطبی‌سازی قدرت، حفظ صلح و امنیت و تحقق منافع متقابل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نظر به موقعیت ممتاز منطقه‌ای و برخورداری از امکان اثرگذاری جهانی، ذیل سیاست دیپلماسی اقتصادی فراگیر، البته با قید اولویت‌های برآمده از منافع ملی، به توسعه دیپلماسی اقتصادی خود بپردازد.

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این تحقیق با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی چندگانه و بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی کشورهای برزیل و ترکیه به‌عنوان دو کشوری که در سال‌های اخیر با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، رشد اقتصادی قابل توجهی را رقم زده‌اند (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۲-۲۰۲۳). هدف اصلی پژوهش که حصول رهنمودهایی برای خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، دنبال شد. برزیل مبتنی بر مقوله‌هایی چون حمایت از تولید داخلی، گسترش و کیفی‌سازی و تنوع‌بخشی به صادرات، مدیریت نظام تعرفه‌های صادرات و واردات، توسعه زیرساخت‌ها، خصوصی‌سازی و حداکثرسازی مشارکت آن در اقتصاد، جذب سرمایه خارجی، انجام اصلاحات ساختاری و قانونی، پایدارسازی و مقاوم‌سازی اقتصاد، تقویت چندجانبه‌گرایی و کمک به نظم جهان چندقطبی و موازنه نرم در برابر سلطه جویان مسلط به نظام اقتصاد بین‌المللی به‌منظور مبارزه با توسعه نامتقارن، رویکرد ادغام و یکپارچگی در زنجیره ارزش جهانی برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین رایزنی در نظام تجارت بین‌المللی را اتخاذ کرده است و



توانسته به عنوان بزرگ‌ترین کشور آمریکای لاتین، مبتنی بر توسعه هم‌گرایی اقتصادی منطقه خود و همچنین عضویت در توافقنامه‌های تجاری دو یا چندجانبه، یکی از مهم‌ترین بازیگران اقتصادی در حال رشد مطرح شود؛ اما ترکیه نیز مبتنی بر مقوله‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش توانسته رشد اقتصادی قابل‌توجهی را از طریق توسعه دیپلماسی اقتصادی محقق کند. انجام اصلاحات مالی، بانکی و اقتصادی، حمایت از تولید ملی با تأکید بر توسعه صنعتی و ظرفیت‌افزایی علمی و بهره‌مندی از فناوری‌های سطح بالا و مزیت آفرین، سیاست‌گذاری برای جهش و توسعه صنعتی، جذب سرمایه خارجی، انجام اصلاحات ساختاری و نهادی، توسعه صادرات، مدیریت نظام تعرفه‌های تجاری و ترجیحی، ایجاد ثبات سیاسی و رفع تنش‌های داخلی، تنش‌زدایی سیاسی-امنیتی با همسایگان و افزایش نفوذ در منطقه با ابزار اقتصادی به‌عنوان قدرت نرم و نیمه سخت برای ارتقای صلح و امنیت، ادغام و اثرگذاری بر زنجیره تجارت و اقتصاد جهانی را با متنوع‌سازی شرکا و استفاده از دیپلماسی اقتصادی فراگیر (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) ارتقا بخشد. براساس آمار بانک جهانی رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش درآمد ملی، افزایش درآمد سرانه، کاهش تورم و افزایش جریان کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی سال‌های ۱۹۹۰ تاکنون از جمله آثار و پیامدهای توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی در کشور ترکیه است. اگرچه یک یا چند مورد مطالعاتی نماینده ضعیفی از جمعیت موارد و زمینه‌ها برای تعمیم‌های بزرگ است (استیک، ۱۹۹۴)، لیکن مطالعه موردی می‌تواند موجب بینش‌های نظری گردد که قابل تعمیم است. بنابراین، با تعمیم به مفاهیم و گزاره‌های نظری (دایمون، ۲۰۱۰)، این یافته‌ها و احکام می‌تواند الهام‌بخش خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز باشد. بنابراین، توصیف این احکام در قالب پیشنهادی سیاستی برای خط‌مشی‌گذاری توسعه دیپلماسی اقتصادی ایران، دربردارنده مواردی است شامل: استفاده هدفمند از تجارت آزاد در عین حمایت به دور از تعصب از خودکفایی با ابتدا بر توسعه برون‌گرا، بین‌الملل‌گرایی در راستای دیپلماسی اقتصادی فراگیر و همه‌جانبه و پرهیز از رویکردهای تقلیل‌گرایانه و محدودکننده، یکپارچگی هدفمند اقتصاد ملی با نظام اقتصاد بین‌الملل برای تبیین جایگاه کشور، جذب

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برقراری ثبات سیاسی، امنیت پایدار و بهبود تصویر کشور، اصلاحات ساختاری و قانونی به‌ویژه توسعه و حمایت از خصوصی‌سازی، تعامل و همکاری با رژیم‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ثبات اقتصادی و اصلاح نظام حکمرانی اقتصادی، ارتقای توان ساخت داخل و حمایت از تولید ملی از طرق مختلف از جمله: وضع موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌گذاری تجاری برای کمک به صادرات و واپایش واردات، استفاده از ابتکارات نوآورانه و رقابتی‌سازی تولید، صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی محصولات و خدمات وضع سیاست‌هایی برای حمایت‌های مالی، مالیاتی، گمرکی و همچنین ارتقای بخش‌های آماد و پشتیبانی و زیرساختی، ماشینی کردن و تسهیل کسب‌وکار، ارتقای ظرفیت‌های علمی، دانش‌بنیان و فناورانه برای کیفی‌سازی و متنوع‌سازی تولید و ایجاد توان رقابتی صادرات در زنجیره جهانی صنعت.

سرانجام پیشنهاد محقق هم‌سو با موضوع و حدود این پژوهش برای انجام تحقیقات آتی و به‌منظور بهره‌برداری بیشتر از تجارب جهانی توسعه دیپلماسی اقتصادی، بررسی تجارب کشورهای ذیل پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بررسی تأثیر آن‌ها بر موازنه و نظم اقتصاد بین‌الملل و توسعه کشورهاست. همچنین تغییرات یا اصلاحات نهادی در سطح ملی و بین‌المللی و چگونگی وضع سیاست‌های کلی کشورها حول دیپلماسی اقتصادی، موضوعی است که می‌تواند در توسعه دیپلماسی اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت، آنچه در کشف و تبیین ضرورت‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها، زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای توسعه دیپلماسی اقتصادی کشور به انجام برسد؛ می‌تواند چراغ راه سیاست‌گذاران کشور باشد و امر توسعه دیپلماسی اقتصادی را تسریع و تسهیل کند.



## فهرست منابع

- ابرین، رابرت ویلیامز، مارک (۲۰۱۳). *اقتصاد سیاسی جهانی*، ترجمه: غلامعلی چگینی‌زاده و میترا راه نجات (۱۳۹۵). تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی
- ابوطالبی، حمید (۱۳۸۷). *نقش مفاهیم بنیایی در سیاست خارجی توسعه‌گرا*. کنفرانس سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- استیک، رابرت (۱۳۷۹). *هنر پژوهش موردی*. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- اسلامیان، مجتبی؛ حبیبی، رحام (۱۳۹۹). *اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا. فصلنامه روابط خارجی، ۱۲ (۲).
- باقری، حسین؛ سیف‌اله، مراد؛ شهبازی، نجفعلی (۱۳۹۶). *الگوی پیشنهادی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی*. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۴)، ۳۵-۶۴
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی
- پورعزت، علی اصغر؛ قلی‌پور، آرین؛ باقری، مصباح‌الهدی؛ نداف، مهدی (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر جهانی شدن بر سیستم خط‌مشی‌گذاری تجاری جمهوری اسلامی ایران*. مجله مدیریت بازرگانی، ۳ (۱۰)، ۳۵-۵۴
- جانسیز، احمد؛ اصلانی، عماد (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا؛ اهداف، راهبردها و نتایج*. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۲ (۱)، ۱۳۶-۹۷
- خادم‌المله، سعیده (۱۳۹۱). *بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی*. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۶ (۴)، ۱۰۲۵-۱۰۵۲
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷). *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). *گفتارهایی جدید در خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ توکلی، رضا؛ عرب‌پور، امیرحسین (۱۴۰۰). *دیپلماسی اقتصادی روندها و چشم‌انداز منطقه‌ای و جهانی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

- رستمی، مجتبی؛ نمایان، فرشید (۱۳۹۸). *مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در تجارت خارجی ایران*. فصلنامه روابط خارجی، ۴۴، ۸۰-۶۳
- سلیمی فرد، علیرضا؛ یوسفی، بهرام؛ شهابی، روح‌الله (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی برزیل و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۰ (۲)، ۱۳۱-۱۵۷
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ جعفری هفت‌خانی، نادر؛ عرب پور، امیرحسین (۱۴۰۲). *نقش دیپلماسی اقتصادی و تجاری در ارتقای برند ملی کشورها (مطالعه موردی: چین، ترکیه و قطر)*. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۶ (۲)، ۶۷۱-۷۰۲
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ توکلی، رضا، عرب پور، امیرحسین (۱۴۰۰). *الگوی تدوین سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بررسی اسناد بالادستی*. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹ (زمستان)، ۱۰۶-۱۳۰
- طباطبائی، امیر؛ حسنی، پرخیده؛ مرتضوی، حامد؛ طباطبائی چهر، محبوبه (۱۳۹۲). *راهبردهایی برای ارتقای دقت علمی در تحقیقات کیفی*. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۵ (۳)، ۶۶۳-۶۷۰
- عرب صالحی نصرآبادی، علی (۱۳۹۴). *کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی*. مجله اقتصادی، ۳ و ۴، ۸۸-۶۳
- علامه، ساجده (۱۴۰۰). *مطالعه موردی به‌مثابه یک روش‌شناسی*. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۵ (۴)، ۲۷۷-۳۱۱
- قریب، حسین؛ ضمیریان، محمدحسین (۱۳۸۹). *الزامات دینی و تأملات عقلانی در سیاست‌گذاری خارجی مطالعه موردی: اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. جستارهای سیاسی معاصر، ۱ (۱)، ۲۰۰-۱۵۷
- کرسول، جان (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش*. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: نشر صفار
- کریمی پور، داوود (۱۳۹۳). *ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ اقتصادی*
- کشیشیان، سیرکی؛ سهیلی نجف‌آبادی، سهیل (۱۳۹۸). *آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی*. فصلنامه سیاست جهانی، ۸ (۱)، ۹۷-۱۲۸



- گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی برزیل*.  
<https://otaghiranonline.ir>
- گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی ترکیه*.  
<https://otaghiranonline.ir>
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). *تدوین و اجرای دیپلماسی اقتصادی: بررسی تجربه برزیل*. آدرس سایت  
<https://rc.majlis.ir>
- گزارش مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی (۱۴۰۱). *مطالعات راهبردی درباره برنامه هفتم توسعه: بررسی تجربه کشور ترکیه در برنامه‌ریزی توسعه*.  
<https://rc.majlis.ir>
- گزارش دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). *الزامات تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پساتحریم*  
<http://rc.majles.ir>
- لطفی، حبیب اله؛ توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹). *مفهوم و مؤلفه‌های درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی*. ماهنامه معرفت، ۵ (۲۷۲)، ۴۹-۶۰
- موسوی شفاویی، مسعود (۱۳۸۸). *دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی‌شدن*. تهران، مرکز تحقیقات راهبردی
- موسوی دهموردی، سیدمحمد؛ بزرگی وحید (۱۳۹۸). *دیپلماسی اقتصادی و الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی*. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۲ (۷)، ۳۵-۵
- میرزایی، جلال؛ عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ صدری علی‌بابالو، صیاد (۱۳۹۳). *ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی*. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دوره ۲۰.
- وودز، نگر (۱۳۸۸). *اقتصاد سیاسی بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن*. در *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*. ویراستاران جان بیلیس و استیو اسمیت. ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی. ج ۱، چاپ دوم. تهران: انتشارات ابرار معاصر
- هاشمی، قادر؛ بخشی، احمد (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی*. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸ (۱۱۹)، ۶۱-۸۸
- ین، رابرت کی (۱۳۷۸). *طرح تحقیق و روش‌های موردپژوهی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان

## References

- Altay, Serdar. (2024). Trade Policy Review of Turkey. The World Economy, Volume 47 (9), P 3861-3892
- Baranay, Pavol. (2009). Modern Economic Diplomacy. Economic Diplomatic club. On: [http://www.dec.lv/mi/Baranay\\_Pavol\\_engel.pdf](http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engel.pdf)
- Bergeijk, Peter A.G. Van., Moons, Selwyn J.V (2018). Introduction to the Research Handbook on Economic Diplomacy, in: Peter a.G. Van Bergeijk and Selwyn J.V. Moons(eds), Research Handbook on Economic Diplomacy, Edward Elgar Publishing Limited.
- Creswell, John W.; Poth, Cheryl. N. (2017). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches. Sage publications.
- Daymon, Christine; Holloway, Immy. (2010). Qualitative Research Methods in Public relations and Marketing Communications, Routlege.
- Denzin, Norman.K; Lincoln, Yvonna.S. (2008). The Sage Handbook of Qualitative Research. India: Sage.
- Dimaranan, Betina V., ed. (2006). Global Trade, Assistance and Production: The GTAP 6 Data Base. West Lafayette. Ind. Center for Global Trade Analysis, Purdue University.
- Frelek, Ryszard (2000). Najkrótsza Historia Dyplomacji. Warszawa: Wydawnictwo Adam Marszałek.
- Given, Lisa M. (2008). The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods, Singapore: Sage Reference Publication.
- Good, William J; Hatt, Paul K. (1952). Methods in Social Research, New York: McGraw-Hill.
- Harrison, Glenn W. Rutherford, Thomas F. Tarr, David G. Gurgel, Angelo. (2004). TRADE POLICY AND POVERTY REDUCTION IN BRAZIL, Central Bank of Chile Working Papers, 276
- Ikenberry, G. John; Darren J.Lim. (2017). China,s emerging institutional statecraft, 42
- Imber, Florence B. (2017). EU Economic diplomacy Strategy. European Parliament. Policy Department.
- Kirisci, Kemal. (2009). The transformation of Turkish foreign policy: The rise of the trading state, in New Perspectives on Turkey. 40, 29-57.
- Kurtaran, Batuhan. (2020). ECONOMIC DIPLOMACY OF TURKEY. A Thesis SUubmitted to the Gratuate School of Social SCiences of Middle East Technical Univercity.
- Miles, Matthew B.; Huberman, A. Michael. (1994). Qualitative data analysis: An expanded source book (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Polaski, Sandra, (2009). Brazil in the Global Economy- Measuring the Gains from Trade. International Labour Office.
- Report of Institute for applied Economic Research. (2019). THE POLITICAL ECONOMY OF TRADE POLICY IN BRAZIL. From [https://portalantigo.ipea.gov.br/agencia/index.php?option=com\\_content&view=article&id=35017:the-political-economy-of-trade-policy-in-brazil&catid=406:relatorio-institucional&directory=1](https://portalantigo.ipea.gov.br/agencia/index.php?option=com_content&view=article&id=35017:the-political-economy-of-trade-policy-in-brazil&catid=406:relatorio-institucional&directory=1)



- Report of World Trade Organization. (2022). TRADE POLICY REVIEW: BRAZIL. From [https://www.wto.org/english/tratop\\_e/tpr\\_e/g432\\_e.pdf](https://www.wto.org/english/tratop_e/tpr_e/g432_e.pdf)
- Report of World Trade Organization. (2023). TRADE POLICY REVIEW: TURKIYE. From [https://www.wto.org/english/tratop\\_e/tpr\\_e/tp539\\_e.htm](https://www.wto.org/english/tratop_e/tpr_e/tp539_e.htm)
- Saunders, Mark; Lewis, Philip. & Thornhill, Adrian. (2023). Research Methods for Business Students. 9thEd. UK: Pearson.
- Soares Herculano, Luciene. (2022). Contexto Internacional, 44 (3), 246-250
- Sotero, Paulo and Armijo, Leslie Elliott. (2007). Brazil: TO Be or Not to Be a BRIC?. Asian Perspective, 31 (4)
- Stake, R. E. (1994). Case studies, in Denzin, N.K. and Y.S. Lincoln, The Sage Handbook of Qualitative Research, Thousand Oaks, Sage.
- Stommel M, Wills CE, (2004). Clinical Research: Concepts and Principles for Advanced Practice Nurses. Philadelphia. lippincott Williams and wilkins.
- Subacchi, Paola. (2008). New Power Centres and New Power Brokers: Are They Shaping a New Economic Order?. International Affairs, 84:3
- Unal, Ugur. (2019). Economic Diplomacy of Turkey in the Context of Politics of Prestige in Foreign Economic Relations. C.Ü. İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi, 20, (1), 30-53

